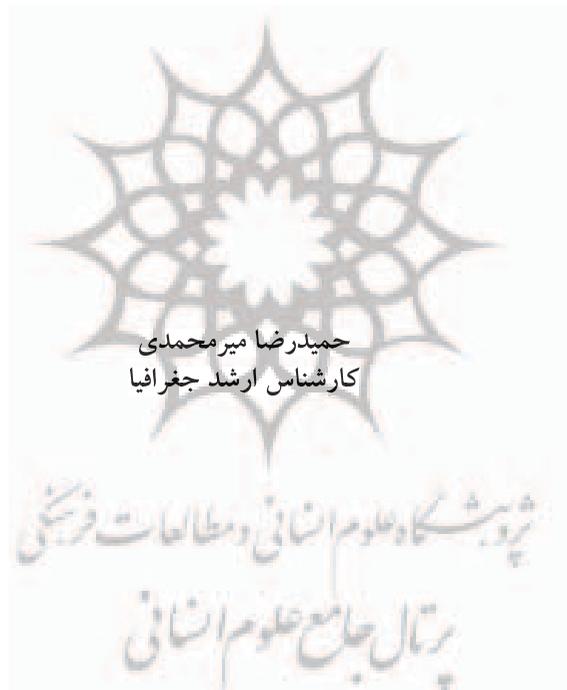


# مسجد الاقصی



مقدمه

بیت المقدس منتقل کرد و آن را به صخره‌ای بنهاد. داود(ع) تصمیم گرفت، معبدی روی آن صخره برپا دارد، ولی توفیق نیافت. اما فرزند و جانشین او، حضرت سلیمان(ع)، آن معبد را بنا کرد و این در حالی بود که ۵۰۰ سال از وفات موسی(ع) می‌گذشت. تا اینکه چند قرن بعد، بخت النصر، پادشاه بابل، آنجا را ویران ساخت و بنی اسرائیل را آواره کرد. چون بنی اسرائیل با حمایت پادشاه ایران (کوروش) به موطنشان بازگشتند، به تجدید بنای آن همت گماشتند. بعدها در طی جنگهای سه گانه ایران و روم و یونان، این معبد دست به دست می‌گشت و چون دوباره بنی اسرائیل نیرومند شدند در عهد حکومت «هیرودمیس»، دیگر بار ساخته

بیت المقدس در ابتدا - به روزگار صابئیان - پرستشگاه ستاره زهره بود و پیروان این آیین، هدایایی برابر صخره مقدس این معبد می‌نهادند. وقتی که این معبد به تصرف بنی اسرائیل درآمد، آن صخره را قبله گاه خود کردند. چندی بعد به امر الهی حضرت موسی(ع) مأمور شد که سرزمین بیت المقدس را فتح کند. از این رو، قوم بنی اسرائیل را بدان مقصد حرکت داد و چون به بیابان «تیه» رسیدند، در آنجا اقامت کردند و موسی(ع) طبق دستور وحی قبه‌ای از چوب اقاچیا ساخت و آن را در میان خیمه گاه خود نصب کرد و همگان بدان سو نماز می‌خواندند. و چون در روزگار بعدی، حکومت و نبوت به حضرت داود(ع) رسید، آن قبه را به

خلیفه دوم، آن را به مسجد تغییر دادند.  
 خلیفه دوم که در سال ۱۵ هـ. ق به قدس آمد و آنجا را فتح نمود، از کعب الاحبار پرسید: مسجد را کجا بنا کنیم؟  
 کعب گفت: در پشت صخره مسجدی بنا کن.  
 عمر گفت: ای کعب! آن را با یهود مشابه و برابر کردی. نه؛ مسجد را بر روی صخره قرار می‌دهیم. سپس با ردا و قبایش خاکها را از صخره برمی‌داشت، و مسلمانان با او در این عمل شرکت می‌کردند. این مسجد امروز به مسجد عمر معروف است. لیکن رومیها قبلاً صخره را مزبله و محل کثافت قرار داده بودند زیرا آنجا قبله یهود بود. عبدالملک بن مروان دو مسجد اقصی و صخره را تجدید بنا کرد.

بنابراین اطلاق نام مسجد اقصی به مسجدی که امروزه مشهور است اصطلاح جدید و تازه‌ای است، و کلیه مورخین هنگامی که از مسجد اقصی نام می‌برند، مقصودشان تمام قسمتی است که حصارها و برج و باروها بر مبنای آن استوار است و در آن بابایی قرار دارد. و همان مکانی است که هنگام «اسراء» و معراج، معروف و مشهور بوده است. آیه اسراء در مکانی نازل شد که اکنون بین دیوارهای حرم شریف در قدس محاط است و خداوند آنجا را برای پرستش بندگان اختصاص داد. آن موقع در آن مکان بنایی معروف به مسجد اقصی و مسجد صخره یا سایر بناهای موجود در صحن مسجد اقصی وجود نداشت فقط در آیه از مسجد نام برده شده است. زیرا که مکان پرستش و عبادت است. [لغت‌نامه

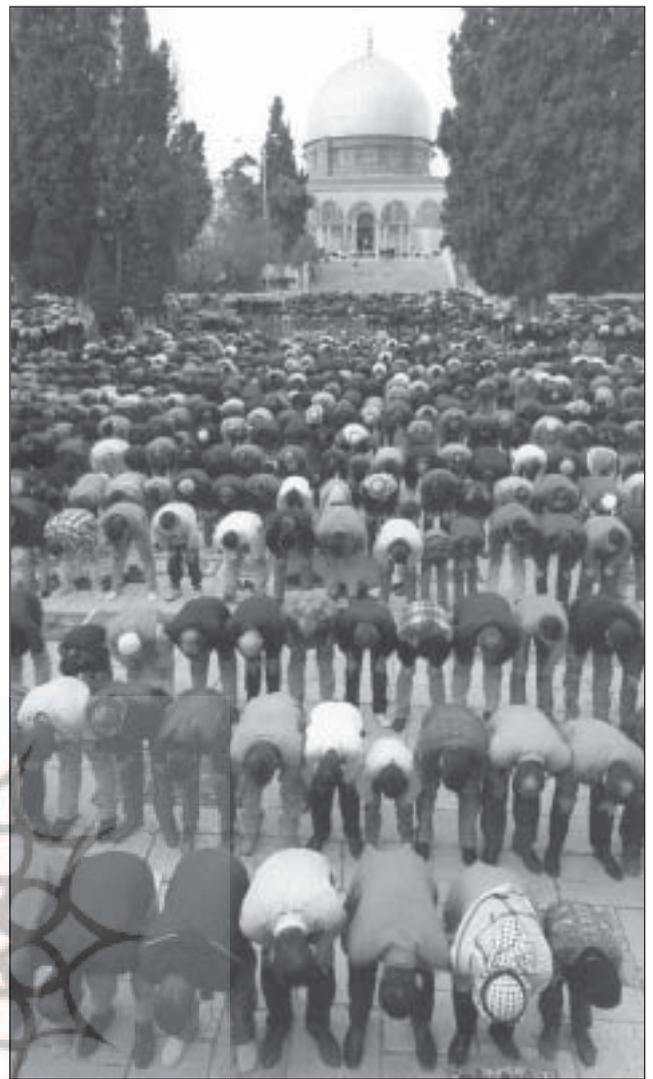
دهخدا، ج ۱۳، ۲۰۸۵۵، به نقل از تاریخ طبری ج ۳، ۱۰۶]

در سال ۵۸۳ هـ. ق صلاح الدین ایوبی آن را تجدید بنا و مرمت نمود و قسمت دیگر آن از قبیل دروازه و غیره در قرن نهم هجری ساخته شده است. ستونهای اندرونی مسجد از ابنیه مختلف گرفته شده است. طرز طاقنمای مرکزی رومی است. در زمان جنگهای صلیبی، نصارا در همین مسجد توقف داشتند. حتی دالانی هم که در آن موجود می‌باشد، مخزن اسلحه لشکریان آنها بوده است. محراب مسجد مزبور به نقش و نگار بسیار عالی تزیین یافته و کتیبه‌ای دارد که نشان می‌دهد صلاح الدین ایوبی در سال ۵۸۳ هـ. ق این محراب را بنا نموده است. در همین جا یک منبر است از چوب، که در آن با عاج و صدف منبت کاری شده که بی نهایت حیرت‌انگیز است. و از کتیبه درون آن معلوم می‌شود که این منبر در سال ۵۶۴ هـ. ق ساخته شده و نوشته‌های پنجره‌های بالای محراب آن متعلق به قرن دهم هجری است.

در دو طرف راست و چپ مسجد، دو مصلاهی قدیمی موجود است که ستونهای ماریچ و طاقهای جناقی دارد که یکی از آنها به مقام حضرت زکریا (ع) مشهور است. [لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ۲۰۸۵۵ به نقل از تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون]

### مسجد اقصی در آثار البلاد و اخبار العباد

مؤلف آثار البلاد و اخبار العباد، اوائل قرن هفتم هجری در ذکر بیت المقدس گوید: «و مسجد اقصی که در قرآن ذکر او شده در آنجاست در شرق شهر. حضرت رسول (ص) فرمود: مردم بار زیارت نیندند مگر به سه مسجد: مسجد الحرام و مسجد اقصی و این مسجد من.»



شد. اما مجدداً در سال ۷۰ م. به دست «تیتوس» رومی ویران شد و او دستور داد که ویرانه آن معبد را شخم بزنند و مزرعه کنند. «هلن» مسیحی (مادر قسطنطین)، بقایای آن مسجد را ویران کرد و در انبوهی از زباله مدفون ساخت. مسجدی که فعلاً به مسجد اقصی معروف است کنیسه‌ای است که «ژوستی نین» در سال ۵۵۰ میلادی به نام حضرت «مریم» (ع) ساخت. ازمانی، شرح جامع مثنوی، ج ۴، ۱۳۰] همچنین ساختمان «شرایلیا» را که حضرت داود (ع) آغاز نموده بود، حضرت سلیمان به پایان رساند و مسجد «ایلیا» را چنان زیبا ساخت که مردم چون آن هرگز ندیده بودند. [دینوری، اخبار الطوال، ۴۶]

### مسجد اقصی

مسجد اقصی دومین مسجد، بعد از مسجد الحرام است. وجه تسمیه آن به علت فاصله زیاد آن از مسجد الحرام است. مسجد اقصی در جنوب محوطه حرم بیت المقدس واقع است. مسجد قبه الصخره در اصل کلیسایی بوده که امپراتور «ژوستی نین» به نام حضرت مریم (ع) آن را بنا نمود. مسلمانان طبق دستور

بوده و یاقوتی در بالای آن قبه نصب شده بوده است و چنان روشن و درخشنده بوده که زنان ولایت «بلقاء»، در شبهای تاریک از روشنی و درخشندگی آن یاقوت، دوک ریزی خود را می نمودند. و مرتبط (محل بستن چارپایان) براق که شب معراج رسول (ص) سوار شده در آنجاست.

و اما طول مسجد هفتصد و هشتاد ذراع است و عرض مسجد چهار صد و پنجاه و پنج ذراع است و ششصد و هفتاد و چهار ستون در مسجد منصوب است. و قبه صخره را به صحایف مس که طلا روی آن کشیده اند مزین ساخته اند و سنگی که به زیارت آن می آیند در مساحت سی و سه ذراع است در بیست و هفت ذراع. و در مسجد هر شب هزار و پانصد چراغ افروخته می شود و در قبه صخره چهارصد و شصت و چهار قندیل دیگر افروخته می شود. و دویست و سی و سه نفر خدمتکار زر خرید که از اموال خمس آنجا می خرند خدمت آنجا می کنند و به همین سبب اسم آنها را «اخماس» می گویند. گویند که عبدالملک بن مروان این بنا را نهاد. [قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ۲۱۷ - ۲۱۸]

#### قصه مسجد اقصی در مثنوی معنوی

مولوی در مثنوی معنوی دفتر چهارم، قصه ای تحت عنوان قصه مسجد اقصی و «خروّب» و عزم کردن داود (ع) پیش از سلیمان (ع) بر بنای آن مسجد به نظم آورده است. خلاصه آن چنین است: حضرت داود (ع) خواست مسجد اقصی را بنا کند، اما از بارگاه الهی وحی رسید که از این مقصود منصرف شو پس قضای ما چنین حکم می کند که سازنده این مسجد فرزندان سلیمان باشد. سلیمان پس از فوت داود، بدین مهم توفیق یافت.

مآخذ این حکایت روایتی است که هم در تفسیر ابوالفتح رازی [ج ۴، ۳۵۸] آمده و هم در حلیة الاولیا [ج ۵، ۲۴۶ - ۲۴۷] نقل شده است. ما در اینجا متن عربی روایت حلیة الاولیا را ترجمه می کنیم: «از رافع بن ارغم نقل شده است که گفت: از پیامبر شنیدم که فرمود: خداوند متعال به داود فرمود که در روی زمین خانه ای برایم بساز. داود پیش از آنکه برای خدا خانه ای بسازد برای خود خانه ای ساخت. خداوند فرمود ای داود! آیا خانه خود را پیش از خانه من ساختی؟!»

داود گفت: آری، چنین است. چه، در قضاء حکمی که راندی گفتمی ملکی نصیب من شود. سپس داود به ساختن آن خانه آغاز کرد. وقتی که دیوارها تمام شد دو سوم آن خانه فرو ریخت. پس داود به خدا شکوا برد. خدا وحی کرد که تو را نسزد که خانه ای برای من بسازی.

عرض کرد پروردگارا بهر چه نسازم؟

خدا بدو وحی کرد غم مدار که مقدر سازم که آن خانه به دست فرزندان سلیمان به سامان آید. آنگاه که داود رحلت کرد سلیمان بنای آن خانه آغاز نمود.

مولانا در این حکایت موضوعاتی از قبیل فنا فی الله، جبر خواص، اتحاد انبیاء و اولیاء، بقا و حیات واقعی، قیامت، حقیقت بهشت و بسیاری از مسائل عرفانی و الهی را به شکل ماهرانه ای بازگو کرده است. [زمانی، شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ۱۳۰] این حکایت را در دفتر چهارم مثنوی معنوی مولانا در ۹۸ بیت به

سلیمان (ع) بنای مسجد اقصی را فرمود به سنگهای بزرگ که طول هر یک از آن سنگها ده ذراع است و در قبه این مسجد سنگی است سفید و در متن آن سنگ نوشته شده: محمد رسول الله.

و در آن مسجد ستونهای رخام ملون کار شد و به «فسیفسا» مزین گردیده و در صحن مسجد موضعی است که برای نشستن ساخته اند به بلندی پنج ذراع، که به پله در آن بالا روند و در وسط این موضع قبه ای است مثنی که بر بالای ستونهای رخام ساخته شده و سقف آن از «روی» مستحکم شده و به فسیفسا مزین نموده اند. و فسیفسا مهره ای است درخشان که تزئین عمارت بدان کنند و چون جواهرات به کار برند و سنگی در وسط این قبه گذاشته شده که مردم به زیارت آن روند و در یک طرف آن سنگ اثر قدم حضرت رسول الله (ص) می باشد. و در تحت این قبه مغاره ای است که به پله های بسیار بالا و پایین می روند و نماز می خوانند. و این قبه چهار طرف دارد که از برای هر طرفی دری می باشد و قبه سلسله در شرقی این قبه و قبه معراج نیز در پهلوی این قبه است و گویند که سابق بر این ارتفاع قبه صخره دوازده میل



شبستان مسجد اقصی، قدس شریف



شبستان مسجد الاقصی، قدس

آنجا گذر افتاد و آن را خراب یافت. بر دلش سخت گران آمد و گفت آیا خدای تعالی این مسجد و شهر را به تازگی آبادان نماید؟ بدین سبب حق تعالی امر کرد تا روح او را قبض کردند و او صد سال خفته بود. تا ملکی از ملوک فارس که بنی اسرائیل او را «کوشک» و فارسیان «گودرز اشغانی» خوانند، آن را به حال عمارت آورد و بعد از آن عزیر(ع) زنده شد و تجدید دعوت دین موسی(ع) ایشان را دلیل شد تا توریه که شعیا پیغمبر(ع) نوشته بود و در زیر ستون مسجد بیت المقدس نهاده کس نمی دانست که کدام ستان است، بیرون آوردند و مصدق دعوی عزیر(ع) شد و او را در میان بنی اسرائیل قبول تمام پدید آمد و ایشان در رواج دین و تزئین عمارت این مسجد می افزودند. در عهد اسلام عمر آن مسجد را در قبله تابع کعبه گردانید و محراب بر سمت کعبه راست کرد و بنی امیه و خلفاء بنی عباس و سلاطین آن دیار در آن عمارت تکلفات بسیار کردند، تا عدیم المثال شد و به مرتبه رسید که در تاریخ شام و مغرب آمده که در ربع مسکون به غیر حرمان، عمارتی عالیتر از آن عمارت نیست. و در سنه تسعین و اربعمائه هجری فرنگیان آن ملک را از تصرف مسلمانان بیرون بردند و محرابهای اسلامی خراب کردند و تا نود و پنج سال بر این صورت بماند تا در سنه خمس و ثمانین و خمس، آل ایوب آن را به توفیق الله به حوزه اسلام گرفتند و در او شعار مسلمانی آشکارا کرده بر درگاهش نوشتند قوله تعالی: «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون». و سنگ صخره که رسول(ص) در شب اسراء از او به معراج رفت و به موافقت رسول(ص) آن ده گزی یک طرفش از زمین برخاست و چون رسول(ص) گفت: «قف» همچنان نیم خیز بماند، در آن مسجد است و اکنون زیارتگاه معتبر و اکثر مشاهیر انبیا که آنجا بوده اند هر یک را محرابی است. اما محراب داود(ع) از همه معتبرتر است، هم به عمارت و هم به تیرک. و در کتاب الممالک آمده که مقام حضرت ابراهیم خلیل بر سیزده میل مسجد اقصی است که چهار فرسنگ و میلی بود، و اکنون آن موضع شهرچه است که دورش سه هزار گام باشد. و در کتاب صورة الاقالیم آمده که بر دو فرسنگی بیت المقدس دیهی است آن را ناصرة الجلیل خوانند. ولادت عیسی(ع) آنجا بوده

نظم آورده است. ابیاتی از این حکایت چنین است:  
چون درآمد عزم داودی به تنگ

که بسازد مسجد اقصی به سنگ  
وحی کردش حق که ترک این بخوان  
که ز دست برنیاید این مکان  
نیست در تقدیر ما آن که تو این  
مسجد اقصی بر آری ای گزین  
تا اینکه ادامه می دهد:

گرچه بر ناید به جهد و زور تو  
لیک مسجد را برآرد پور تو  
کرده او کرده توست ای حکیم  
مؤمنان را اتصالی دان قدیم  
مؤمنان معدود لیک ایمان یکی  
جسمشان معدود لیکن جان یکی

### مسجد الاقصی در نزهة القلوب

حمدالله مستوفی در قرن ششم هجری، در نزهة القلوب در خصوص مسجد الاقصی گوید: «آن مسجد در شهر اورشلیم است و آن شهر را به عربی بیت المقدس و به عبری «ایلیا» خوانند. از ولایت شام و زمین فلسطین و اقلیم «سیم» است. . . وهب بن منبه گوید که اسحاق پیغمبر(ع) پسرش یعقوب(ع) را فرمود که دختران خال خود، لابان بن ناهر بن آزر، را در نکاح آورد و او بدین مهم عازم خانه خال خود شد. در آن راه شبی به مرحله اورشلیم به خواب دید که بر فوق او از آسمان دری گشوده بودی و نردبانی بر آن نهاده و فرشتگان از او فرو می آمدندی و برو می رفتندی. پس حق تعالی بلو وحی کردی و فرمودی: «انی انا الله لا اله الا انا الهک و آلہ آبائک و قد ورثتک هذه الارض المقدسه و ذریتک من بعدک و بارکت فیک و فیهم و جعلت فیکم الکتاب و الحکمة والنبوة، ثم انا معک و احفظک حتی اردک الی هذا المكان واجعله بیتاً تعبدنی فیه و ذریتک فهو بیت المقدس»، بدان سبب آن زمین را قدس خواندند. و یعقوب بعد از تأهل، در زمین کنعان مقام کرد و کنعان بر سه فرسنگی آنجاست. بعد از آن بنی اسرائیل در آنجا شهر اورشلیم ساختند و تختگاه آنجا بردند. و چون روزگار بر زمان داود(ع) را رسید، حق تعالی او را خلافت داد، چنانکه در کلام مجید می فرماید قوله تعالی: «یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق». او در بیت المقدس مقام کرد و مسجد اقصی بنا نهاد و بعد از او پسرش سلیمان به اتمام رسانید و از تاریخ اتمام عمارتش تا کنون دو هزار و پانصد و هشتاد و سه سال گفته اند. گویند سلیمان(ع) به تماشای عمارت آن مسجد رفت و بر عصا تکیه کرد. عزرائیل به فرمان رب جلیل، روحش قبض کرد. او همچنان ایستاده بود تا بعد از یک سال که دیوار عمارت مسجد تمام کرده بودند و مورچه چوب عصا خورده عصا بشکست و او بیفتاد و خبر موتش ظاهر شد. و بعد از آن بخت النصر به کین یحیی، پیغمبر(ع) بیت المقدس و مسجد، و آن مسجد را نیز خراب گردانید. عزیر پیغمبر(ع) را

موضوع است: «قد نرى قلب وجبهك في السماء فلنو لينك قبلة ترضاه» (نگاههای معنا دار تو را به آسمان می بینیم. تو را به سوی قبله ای که رضایت تو را جلب کند می گردانیم).

از آیات قرآن استفاده می شود که تبدیل قبله - علاوه بر اعتراض یهود - جهت دیگری نیز داشته است و آن اینکه مسئله جنبه امتحانی داشت و مقصود این بود که مؤمن واقعی و حقیقی از مدعیان ایمان که در ادعای خود کاذب بودند، تمیز داده شود. چنانکه قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۳۴ صریحاً این مطلب را می فرماید: «و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه و ان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله . . .» (تغییر قبله از آن طرفی که بر آن نماز می گزارید، برای این بود تا موافق را از مخالف تمیز دهیم و این کار برای غیر آنهايي که خداوند آنان را هدایت کرده است، کار پریشمقی بود. . .). [سبحانی، فروغ ابدیت، جلد ۱، ۳۹۵]

### مسجدالاقصى و معراج پیامبر(ص)

اسراء حضرت رسول(ص) از مسجدالحرام به مسجدالاقصى صورت گرفته است. پیامبر اکرم این سفر آسمانی را از خانه «ام هانی» (خواهر امیرمؤمنان(ع)) آغاز کرد و با همان مرکب به سوی بیت المقدس - که آن را «مسجد اقصی» نیز می نامند - روانه شد و در مدت بسیار کوتاهی در آن نقطه پایین آمد و از نقاط مختلف مسجد و «بیت اللحم» که زادگاه حضرت مسیح است و منازل انبیاء و آثار و جایگاه آنها، دیدن به عمل آورد، و در برخی از منازل دو رکعت نماز گزارد. سپس قسمت دوم از برنامه خود را آغاز نمود: از همان نقطه به سوی آسمانها پرواز کرد و ستارگان و نظام جهان بالا را مشاهده نمود.

قرآن کریم جریان این سفر آسمانی را در سوره اسراء بیان کرده است. لازم به ذکر است که «اسراء» در لغت عرب به معنای به شب راه رفتن، در شب سیر کردن، به سیر در آوردن کسی را در شب و به معنی اخص آن به معراج حضرت محمد بن عبدالله (ص) اطلاق گردیده است. [معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ۲۶۵]

آیه نخست سوره اسراء در این خصوص چنین می فرماید: «سبحان الذي اسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله لئله من اياتنا انه هو السميع البصير» (پاک و منزّه است خدایی که بنده خویش را در پاره ای از شب، از مسجدالحرام به مسجد اقصی برد جایی که برکت دادیم پیرامونش را تا بنماییم او را از آیتهای خود به درستی که اوست شنوای بینا). دو سیره نویس بزرگ اسلام، ابن اسحاق و ابن هشام، می گویند که این حادثه در سال دهم بعثت اتفاق افتاده است. مورخ بزرگ، بیهقی، معتقد است که در سال دوازدهم بعثت رخ داده است و برخی آن را در اوائل بعثت و گروهی در اواسط آن دانسته اند. به نظر می آید که معراجی که در آن نمازهای یومیّه واجب شده، قطعاً پس از مرگ ابوطالب که در سال دهم بعثت بود، اتفاق افتاده است. [سبحانی، فروغ ابدیت، جلد ۱، ۳۱۰]

### مشخصات فعلی بنای مسجدالاقصى

بنای فعلی مسجدالاقصى دارای ۸۰ مترطول و ۵۵ متر عرض

است و ترسایان را بدین سبب نصرانی خوانند». [مستوفی، نزهة القلوب، ۱۶ - ۱۸]

### مسجدالاقصى قبله گاه اول مسلمین

مسجدالاقصى علاوه بر قداستی که همه مساجد در اسلام دارا می باشند، از آن روی که زمانی قبله گاه مسلمین بوده دارای جایگاهی ویژه است. مسجدالاقصى دومین مسجدی است که پس از مسجدالحرام ساخته شده و چندین بار تاکنون تجدید بنا گردیده. مسلمانان در صدر اسلام، نخست رو به آن نماز می گذاشتند و سپس خانه کعبه به فرمان خدا قبله مسلمانان شد. [دایرة المعارف فارسی، ج ۲، ۲۷۶۵].

پیامبر اکرم (ص) ۱۳ سال تمام در مکه به سوی بیت المقدس (مسجدالاقصى) نماز می خواند. و پس از مهاجرت به سوی مدینه، دستور الهی این بود که به وضع سابق از نظر قبله ادامه دهد و قبله ای که یهودان به آن نماز می گزاردند مسلمانان نیز به آن طرف نماز بگزارند. این خود عملاً، یک نوع همکاری و نزدیکی کردن دو آیین قدیم و جدید بود، ولی رشد و ترقی مسلمانان باعث شد که خوف و ترس، محافل یهود را فراگیرد. زیرا رشد روزافزون آنها نشان می داد که آیین اسلام سراسر شبه جزیره را در اندک مدتی خواهد گرفت و قدرت و آیین یهود را از بین خواهد برد. از این نظر شروع به کار شکنی کردند و از راههای گوناگونی مسلمانان و رهبر عالیقدر آنان را آزار می دادند. از آن جمله مسئله نماز گزاردن به سوی بیت المقدس را پیش کشیدند و گفتند «محمد» مدعی است که دارای آیین مستقلی است و آیین و شریعت او ناسخ آیینهای گذشته می باشد، در صورتی که او هنوز قبله مستقلی ندارد و به قبله جامعه یهود نماز می گزارد. استماع این خبر برای پیامبر گرامی اسلام گران آمد. نیمه های شب از خانه بیرون می آمد و به آسمان نگاه می کرد و در انتظار نزول وحی بود که دستوری در این باره نازل گردد؛ چنانکه آیه ۱۴۴ سوره مبارکه بقره بیانگر همین

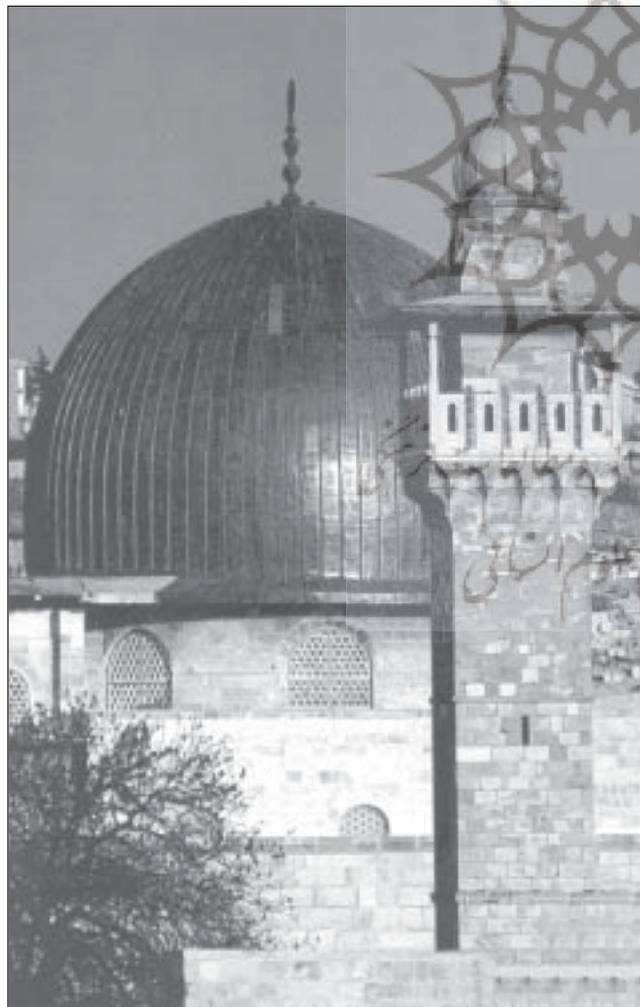


آزادی انجام مناسک دینی یهودی در داخل آن صورت پذیرفت.  
- انجام حفاریهای غیرقانونی در اطراف دو دیواره غربی و جنوبی حرم قدسی و مسجدالاقصی در کنار انهدام ملک تاریخی موجود در اطراف آن که خود نقض آشکار کنوانسیونهای ژنو و لاهه می باشد.

- ممانعت از بازگشت تمامی اعرابی که در زمان جنگ ژوئن ۱۹۶۷م. خارج قدس شریف بودند، به علاوه مصادره تمامی املاک آنان.

- تبدیل و تعویض نام بسیاری از خیابانها و میادین عربی موجود در قدس با نامهای صهیونیستی، برای تحت الشعاع قرار دادن بار تاریخی، عربی و اسلامی آن مناطق.

امروزه صهیونیستها سرعت عمل بیشتری در یهودی سازی قدس و تسلط کامل بر آن به عمل آورده اند. بی شک طرحهای صهیونیستی برای تسلط کامل بر قدس و تبدیل آن به پایتخت یکپارچه و ابدی اسرائیل چیز جدیدی نیست، بلکه از سالهای متمادی به صورت برنامه ریزی شده ای تا به امروز ادامه دارد. و در صورت عدم مواجه شدن با مواضع عربی اسلامی و بین المللی قوی ادامه خواهد داشت. اکنون مسجدالاقصی به پایگاه مقاومت مردم مقاوم و بردبار فلسطین مبدل گشته و با آغاز دور تازه انتفاضه



مسجدالاقصی که در سال ۱۹۷۶ به وسیله صهیونیستها به آتش کشیده شد.



مسجد صخره، قدس

است. بنای مزبور روی ۵۳ ستون اصلی از مرمر و ۴۹ ستون حائل سنگی ضخیم و مربع شکل قرار دارد. ستونهای اصلی از سنگ مرمر رنگی است و هر یک بجز پایه و تاج، پنج متر طول دارد و قطر آنها حدود یک متر است. صدر قبله از چوب ساخته شده و از خارج با ورقهایی از سرب پوشیده شده است. داخل قبه نیز به شکل زیبایی خاتمکاری و تذهیب گردیده است. در مسجدالاقصی محراب بزرگی قرار دارد که در ناحیه شرقی منبر است. این محراب در گذشته به محراب داود(ع) موسوم بود. در سمت غربی قبله، شبستان است که «جامع النساء» نامند. منبر از چوب مرصع می باشد که با عاج و آبنوس تزیین شده و بر چهار ستون مرمر قرار گرفته است. امروزه مسجدالاقصی یازده در دارد. هفت تای آن بزرگ و به سمت شمال است. یک در به سمت شرق است و به گهواره عیسی(ع) منتهی می شود. دو در نیز در غرب مسجد قرار دارد، که یکی از آنها محل ورود زنان به داخل شبستان زنانه است. در دیوار روبروی قبله یک در دیگر است، که فعلاً مسدود می باشد. [رهبر، «مسجدالاقصی»، مسجد، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۱۳]

#### مسجدالاقصی در اسارت صهیونیسم

در حدود نیم قرن است که سرزمین قدس شریف و مسجدالاقصی، قبله نخستین مسلمانان، به اشغال یهودیان غاصب درآمده است و مردم مظلوم این دیار تلخترین روزهای تاریخ خود را در این مدت پشت سر نهاده اند. در حالی که رژیم اشغالگر قدس هر روز جنایتی تازه می آفریند و روزی نیست که مردم مسلمان فلسطین در راه رهایی قدس شریف در مبارزه با غاصبان سلطه گر فرزندی از فرزندان عزیز خویش را در این جهاد نابرابر قربانی ننماید.

صهیونیستها در ۱۹۷۶/۶/۲۸ قدس را به شکل اداری و سیاسی تحت حاکمیت رژیمشان قرار داده و پس از آن سلسله اقداماتی انجام دادند که از آن جمله است:

- به آتش کشیدن مسجدالاقصی در ۱۹۷۶/۱۰/۲۱ که با

ملت فلسطین فراتر است، و به همین خاطر این مسئولیت و وظیفه‌ای عربی، اسلامی و جهانی است، که مستلزم همسویی تلاشها برای ایجاد جبهه‌ای بین‌المللی برای حمایت از قدس و ایستادن در برابر طمع ورزیهای صهیونیستی است. شهر بیت المقدس یکی از اهداف ریشه دار و دائمی ملت فلسطین و امت عربی بوده و هست. شهرک سازی در شهرهای فلسطین و یهودی سازی این شهر مقدس، دو خطری است که به طور مستقیم، مردم فلسطین را تهدید می‌کند. این در حالی است که دولت غاصب یهود سعی می‌نماید با عنوان کردن تشکیل دولت خودگردان فلسطین و ادامه مذاکره، مانع از ادامه انتفاضه مسلمانان شود. در همین حال رژیم صهیونیستی به شکل وسیعی به تلاش برای تسلط کامل بر بیت المقدس می‌پردازد و با تفکیک و از بین رفتن شهرکهای صهیونیست نشین مخالف است. این رژیم حق آوارگان را در بازگشت به خانه و کاشانه هایشان قبول ندارد و با این اوصاف، دیگر چه می‌ماند که بر سر آن به مذاکره پرداخت. بنابراین تنها راه نجات قدس شریف، مبارزه مسلحانه و ادامه انتفاضه تا فروپاشی دولت غاصب یهود و احقاق حق مردم مظلوم فلسطین است.

#### مسجدالاقصی در نگاه شعرا

در طول تاریخ بنای مسجدالاقصی تاکنون، شعرا و ادبا همچون سایر قشرهای مسلمان توجیهی خاص به این مکان شریف داشته‌اند، که به بیان مختصری در این زمینه بسنده می‌نمایم.  
حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه در خصوص نام بیت المقدس که در زبان پهلوی «گنگ دژ هوخت» یا «گنگ دژ هوخ» بوده، چنین آورده است:  
به خشکی رسیدند سر کینه جوی

به بیت المقدس نهادند روی  
چو بر پهلوانی زبان راندند

همی گنگ دژ هوختش خواندند  
به تازی کنون خانه پاک دان

برآورده ایوان ضحاک دان  
خاقانی نیز اشاراتی به مسجدالاقصی دارد:

تن چو رسد به خدمت، کی زبید از مسیح  
کو خوک را به مسجدالاقصی رها کند

چه خصم بر نواحی ملکش کند گذر  
چه خوک دم به مسجدالاقصی برافکند

زبهر نفس مکن جان که بهرکردن خوک  
کسی نبرد زنجیر مسجدالاقصی

از روزگاری که قدس شریف و مسجدالاقصی به دست  
نامردمان صهیونیست به اسارت افتاده است، شعرای متعهد مسلمان

با نگاهی خاص به بیان جنایات صهیونیستها و مظلومیت قدس  
شریف و ملت مسلمان فلسطین پرداخته و سعی در ثبت و بیان

وقایع مختلف این مکان مقدس داشته‌اند.  
مرحوم یوسف بخشی خوانساری از شعرای معاصر، با وجود

جو خفقان حاکم بر جامعه ایران در سال ۱۳۴۸ که مسجدالاقصی  
توسط صهیونیستها به آتش کشیده شد، به بیان این واقعه تأسف بار

پرداخته است. ابیاتی از این سروده چنین است:

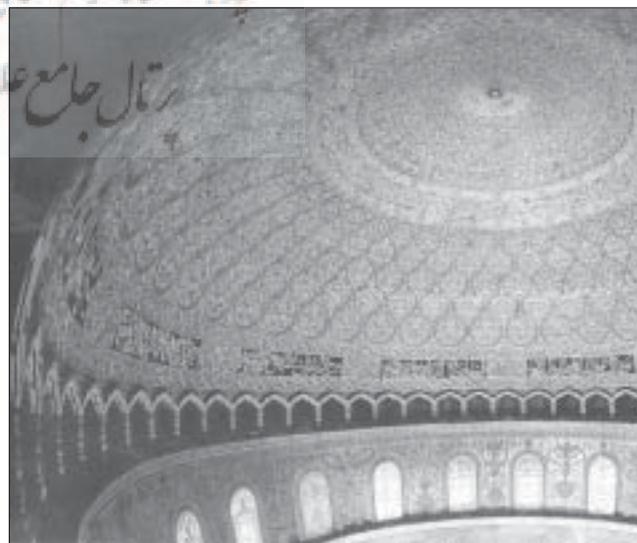
در سرزمین فلسطین، مسجدالاقصی بار دیگر نقش خود را به  
عنوان پایگاه مقاومت و ایثار، بازیافته است. امید است با هماهنگی  
و انسجام همه کشورهای و امتهای مسلمان در حمایت از مردم  
فلسطین، انتفاضه به بار نشسته و موجبات نابودی دولت یهود  
فراهم آید.

#### روز قدس

بنابر اهمیت مسئله قدس شریف و مسجدالاقصی و حمایتی  
همه جانبه دولت و ملت ایران از مبارزات مسلمانان فلسطین،  
حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - که همواره حمایت  
همه جانبه‌ای از مبارزات همه ستمدیدگان جهان - بویژه مردم  
فلسطین - داشتند، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان  
روز جهانی قدس اعلام و از همه مسلمانان جهان خواستند تا با  
برگزاری اجتماعات، گردهمایی و راهپیمایی حمایت خود را از  
مبارزات مردم فلسطین اعلام دارند. حضرت امام(ره) در فرازی  
از سخنان خود در خصوص روز جهانی قدس می‌فرماید: «روز  
قدس روز اسلام است». امروزه پس از گذشت حدود ۲۰ سال  
از اعلام روز جهانی قدس، در اکثر کشورهای اسلامی و حتی  
مردم مسلمان ساکن در سایر کشورها در آخرین جمعه ماه مبارک  
رمضان با برگزاری راهپیماییهای منسجم و هماهنگ بر غیرقانونی  
بودن دولت یهود و حمایت از مبارزات ملت مبارز فلسطین  
می‌پردازند.

#### نجات قدس وظیفه تمام مسلمانان

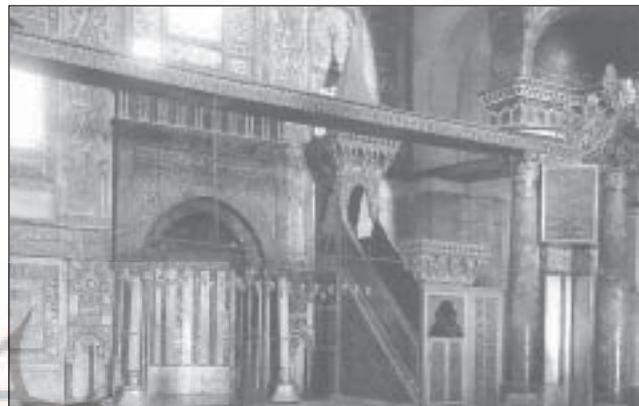
بی شک موضوع انتخاب قدس شریف به عنوان پایتخت رژیم  
صهیونیستی، تهدید جدی برای ملت فلسطین، امت عربی و مسلمانان  
و حتی مسیحیان است. مسئله آزادی قدس از چارچوب امکانات



بخشی از طاق مسجد صخره

هتک حرمت کرده است از مسجدالاقصی چه کس؟  
 زین جنایت خلق را افکنده در غوغا چه کس؟  
 خانه حق را ز راه خودسری آتش زدند  
 دشمنی دارد مگر با ایزد یکتا چه کس؟  
 با خدا بیگانگی کردن نه کار هر کس است  
 گو خصومت کرده با دادار بیهمتا چه کس؟  
 مسجد و دیر و کلیسا و کنیسه معبد است  
 بر عبادتگاه مردم تاخت بی پروا چه کس؟

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نویدی بر آزادی بیت المقدس



منبر و شبستان مسجدالاقصی

و مسجدالاقصی از چنگال غاصبان صیونیست بود و شاعران  
 متعهد کشورمان در سروده‌های متعددی بر این امر بشارت داده‌اند،  
 که در این میان به بیان اشعاری از شاعر معاصر، حمید سبزواری،  
 تحت عنوان «همراه جلودار» بسنده می‌نماییم:

گاه سفر آمد برادر ره دراز است  
 پروا مکن، بشتاب، همّت چاره‌ساز است  
 وادی پر از فرعونیان و قبطیان است  
 موسی جلودار است و نیل اندر میان است  
 تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر  
 بر جای ما، بیگانه، ننگ است ای برادر  
 سینا و طور و غزه را بلعید با هم  
 ما خفته و او در تهاجم قدس را هم  
 جولان به جولانی دگر بگرفت از ما  
 ما ندیم ما سرگشته او را قدس و سینا  
 فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد  
 تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد  
 یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد  
 ای یاوران باید وی را یآوری کرد  
 وقت است تا زاد سفر بر دوش بندیم  
 دل بر پیام دلکش چاوش بندیم  
 چابک سواران رهروان احرام بستند  
 دل بر طینس این صدای عام بستند

باور مکن افسانه افسونگران را  
 همراه باید شد در این ره کاروان را  
 باور مکن: امید دیدار حرم نیست  
 گامی فرانیه تا حرم جز یک قدم نیست  
 از دشت و دریا در طلب باید گذشتن  
 بیگاه و گاه و روز و شب باید گذشتن  
 گر صد حرامی صد خطر در پیش داریم  
 حکم جلودار است سر در پیش داریم  
 حکم جلودار است بر هامون بتازید  
 هامون اگر دریا شود از خون بتازید  
 فرض است فرمان بردن از حکم جلودار  
 گر تیغ بارد گو بیبارد جان سپر کن  
 جانان من بر خیز بر جولان برانیم  
 ز آنجا به جولان تا خط لبنان برانیم  
 آنجا که هر سو صد شهید خفته دارد  
 آنجا که هر کویس غمی بنهفته دارد  
 جانان من اندوه لبنان کشت ما را  
 بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را  
 باید به مژگان رفت گرد از طور سینین  
 باید به سینه رفت زینجا تا فلسطین  
 باید به سر زی مسجدالاقصی سفر کرد  
 باید به راه دوست ترک جان و سر کرد  
 جانان من بر خیز، بشنو بانگ چاوش  
 آنک امام ما علم بگرفته بر دوش  
 تکبیر زن، لبیک گو بنشین به رهوار  
 مقصد دیار قدس، همپای جلودار

#### منابع:

۱. قرآن کریم
۲. اللمیلم، عبدالعزیز محمد، «مسجدالاقصی»، ترجمه محمد تقی رهبر، مجله مسجد، شماره ۳۷ و ۳۸، فروردین تا تیر ۱۳۷۷
۳. ثامنی، جعفر، فرهنگ القاب و عناوین شهرها، جهان اندیشه کودکان، بهار ۱۳۷۲
۴. دایرة المعارف فارسی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۷۴
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران (مؤسسه لغت نامه)، ۱۳۷۶
۶. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، نشر نی، ۱۳۷۱
۷. زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۷۸
۸. سبحانی، جعفر، فروع ابدیت، مرکز انتشارات دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۵۱
۹. قبادیانی مروزی، حکیم ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزین پور، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم، ۱۳۵۶
۱۰. قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه و اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۱. مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به اهتمام و تصحیح گای لیسترانج، دنیای کتاب، ۱۳۶۲
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶
۱۳. «نداء القدس» (نشریه جنبش اسلامی فلسطین)، دفتر تهران، سال سوم شماره مسلسل ۴۱، خرداد ۱۳۷۸
۱۴. بخشی خوانساری، یوسف، گزیده غزلیات، به کوشش حمیدرضا میرمحمدی، آماده انتشار